

صورت‌بندی مؤلفه‌های سیاست علم در اندیشه شهید مطهری^۱

حسین قلی‌پور^۲، مرتضی جوانعلی آذر^۳

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

چکیده

هدف: سیاست علم به عنوان یکی از عرصه‌های سیاست‌گذاری عمومی، نیازمند یک مبنای نظری است که در آن ماهیت و رسالت علم، کارکردها و مسائل بنیادین آن، صورت‌بندی شده‌اند. واکاوی این مبنای نظری در اندیشه اسلامی و به طور خاص تر در اندیشه شهید مطهری، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. از سوی دیگر، تاکنون دیدگاه شهید مطهری در خصوص علم به صورت منسجم، صورت‌بندی نشده است. **روش:** در این پژوهش، مسائل سیاستی علم در آثار شهید مطهری با روش تحلیل مضمون و رویکرد قیاسی استقرایی، کاوش شده است. **یافته‌ها:** باور به کاشفیت علم از واقع در علوم یقینی و ارزش نظری داشتن این علوم، اعتقاد به فایده عملی علوم تجربی و اعتباری و ارزش عملی داشتن آنها (ماهیت علم)، تعیین «قدرت، عزت و استقلال» به عنوان (غایت علم)، توجه به استقلال عالمان از طبقه قدرت و حفظ حریت آنان (سیاست علم)، باور راسخ به شرافت علم و پرهیز از واگذاری کامل آن به مناسبات بازار و کالایی شدن علم (اقتصاد علم)، مذموم دانستن نگاه کسب و کاری به علم، تلاش برای آزادماندن آن و استعمال آن در راه خیر (اخلاق علم) و در نهایت، بی‌مکان دانستن علم (ارتباطات علم)، از مؤلفه‌های سیاستی علم در صورت‌بندی علم از منظر شهید مطهری است. **نتیجه‌گیری:** اندیشه اسلامی، نگاهی اصیل به علم دارد و نگاه صرفاً ابزاری به علم را کنار می‌گذارد. به همین سبب، سیاست علم در این اندیشه، در مناسبات مختلف اقتصادی، سیاسی، ارتباطی و اجتماعی به گونه‌ای است که ضمن حفظ ارزش والای آن، بتوان بیشترین بهره و استفاده از آن را در راستای تحقق منافع جامعه اسلامی، برد.

واژگان کلیدی: علم، شهید مطهری، صورت‌بندی علم، مؤلفه‌های سیاستی علم، سیاست علم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰

- این مقاله، مستخرج از رساله دکتری نویسنده مسئول است.
- دکترای تصمیم‌گیری و خط مشی‌گذاری عمومی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). نامبر: ۸۸۰۸۰۷۳۳ / Gholipour@isu.ac.ir
- دکترای سیاست‌گذاری بخش عمومی، استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران. Javanali@isu.ac.ir

الف) مقدمه

علم از جمله عرصه‌هایی است که کم‌وبیش در نظام‌های اجتماعی مختلف دنیا، محلی برای ورود و مداخله دولتهاست. این مداخلات به گونه‌های مختلفی رقم می‌خورد. اینکه مدیران دولتی که منابع را میان پروژه‌ها یا برنامه‌های مختلف تخصیص می‌دهند تا نمایندگان منتخب که اولویتهای بودجه و برنامه‌ریزی را شکل می‌دهند (سارویتز، ۲۰۰۵: ۸۷۸)؛ اینکه دولت در عرصه دیپلماسی و ارتباطات بین‌المللی برای انجام برخی از پروژه‌های علمی رایزنی بکند؛ اینکه مجوز تأسیس و فعالیت به چه نوع سازمانهای علمی و با رعایت چه استانداردهایی را بدهد و مسائلی از این دست؛ همگی مصادیقی از مداخله و سیاستگذاری علمی دولت‌اند. بررسی این مداخلات و مطالعه اثر آنها روی فعالیتهای علمی، حوزه سیاستی مشخصی با عنوان «سیاست علم» را به ارمغان آورده است. مسائل عمده این حوزه سیاستی، درباره تخصیص منابع کافی به علم، توزیع عادلانه آنها بین فعالیتهای اطمینان از استفاده کارآمد از منابع و کمک به رفاه اجتماعی است (لاندوال و بوراس، ۲۰۰۵: ۶۰۴). اما مؤلفه‌های سیاستی علم، گستره‌ای وسیع‌تر از این مسائل دارد و اهداف سیاست علمی، میزان مداخله در علم و استقلال نهاد علم، نحوه تأمین مالی علم و... را نیز شامل می‌شود. این مؤلفه‌ها در ادبیات علمی سیاست علم، هر کدام به طور مفصل کاوش شده‌اند. برای مثال، نحوه تأمین مالی پژوهش (بودجه دولتی یا بودجه بخش خصوصی و بازار) و اثر آن در استقلال نهاد علم، پژوهشهای مختلفی سامان داده شده است (ریپ و وان در مولن، ۱۹۹۷^۳؛ جاسانوف، ۱۹۹۷^۴). در خصوص نسبت علم و جنسیت و پرسش از میزان مشارکت زنان در علم نیز گزارشها و پژوهشهای مختلفی ارائه شده است؛ از جمله سارا دلامونت^۵ که پژوهش مفصلی در این خصوص انجام داده است. (دلامونت، ۱۹۸۹)

۱. بیان مسئله

مؤلفه‌های سیاستی در اندیشه اسلامی و به طور خاص‌تر در اندیشه شهید مطهری، تاکنون در خصوص علم به صورت منسجم صورت‌بندی نشده‌اند. شهید مطهری، متفکری اسلام‌شناس است که تأملات و کاوشهای علمی در خوری برای کشف و ارائه اندیشه اسلامی در

1. Sarewitz
2. Lundvall & Borrás
3. Rip and van der Meulen
4. Jasanoff
5. Sara Delamont

صورت‌بندی مؤلفه‌های سیاست علم در اندیشه شهید مطهری ♦ ۶۷

موضوعات مختلف و از جمله موضوع علم داشته و آثار متعددی از ایشان منتشر شده است. از این رو، ضمن داشتن خبرگی لازم در اندیشه دینی، به اذعان عالمان دیگری همچون امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، به اسلام‌شناسی او و توصیه به مطالعه آثار ایشان (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۸۷؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۹)، استخراج صورت‌بندی علم در اندیشه ایشان، مطلوب و امکان‌پذیر است. لذا در این پژوهش، این مسئله اصلی بررسی و پاسخ داده می‌شود که: «سیاست علم در اندیشه شهید مطهری، چگونه صورت‌بندی می‌شود؟». پاسخ‌دهی به این مسئله، از طریق پاسخ به سؤالات تفصیلی ذیل انجام می‌شود:

- ماهیت علم چیست؟ علوم دانشگاهی چه ماهیتی دارند و جایگاه آنها در هندسه معرفت دینی چیست؟
- رسالت علم دانشگاهی در اندیشه اسلامی چیست و برای چه غایتی دنبال می‌شود؟
- نسبت جامعه علمی و حکومت اسلامی چیست؟ آیا مداخله در نهاد علم از سوی دولت، پذیرفتنی است؟
- تأمین مالی علم از چه طریق (بودجه عمومی، سازوکار بازار، وقف و...) باید انجام شود؟
- نسبت علم و جنسیت چگونه است؟
- اخلاقیات علم چیست؟ رسالت اخلاقی عالم چیست؟
- ارتباطات جامعه علمی با جوامع علمی جهان چگونه باید باشد؟

این مجموعه سؤالات، به سه دلیل انتخاب شده‌اند: اولاً، سؤالاتی اساسی در سیاست علم به‌شمار می‌آیند و پاسخ هر کدام، دلالت‌های مهمی در سیاست علم برجای خواهد گذاشت. ثانیاً، پاسخ آنها در آثار شهید مطهری، قابل ردیابی و پاسخگویی است و ثالثاً، پاسخ به این سؤالات، منظومه فکری شهید مطهری را در رابطه با سیاست علم روشن می‌کند.

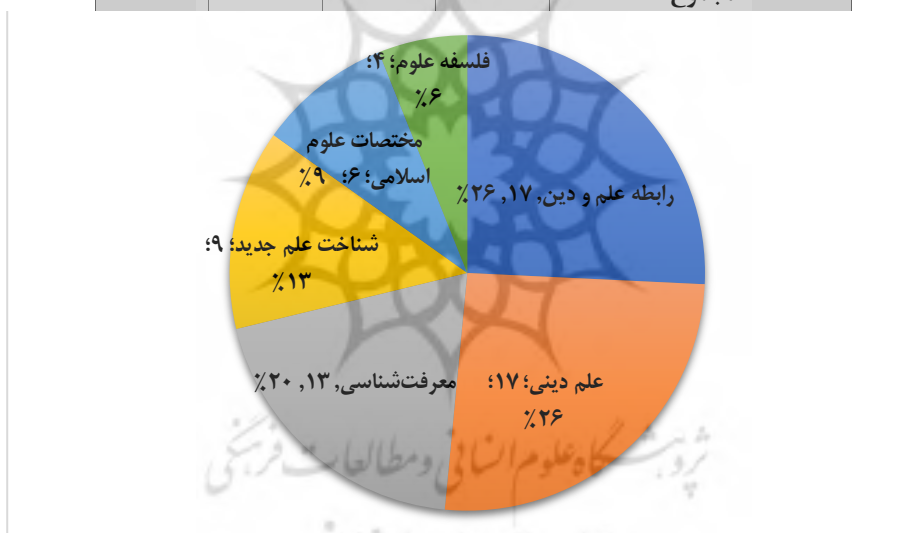
۲. پیشینه پژوهش

اندیشه شهید مطهری به واسطه غور در فلسفه و حکمت اسلامی، همواره محل کاوشهای معرفتی پژوهشگران بوده است. به همین سبب، پژوهشهای حوزه علم انجام‌شده در اندیشه شهید مطهری، عمدتاً به سؤالاتی در لایه فلسفی، از جمله نسبت علم و دین، معانی و نظریات علم دینی، جایگاه عقل و تجربه در معرفت دینی و مسائلی از این دست پرداخته‌اند و به ابعاد اجتماعی و سیاستی علم در جهان‌بینی اسلامی کمتر توجه شده است. برای درک بهتر این

مدعا، می توان به نقاط تمرکز پژوهشهای صورت گرفته حول اندیشه شهید مطهری در باب علم که در جدول ۱ آمده است، نظر کرد.^۱

جدول ۱: موضوعات اصلی پژوهشهای انجام شده در اندیشه شهید مطهری در باب علم

موضوع اصلی	مقاله	پارسا	کتاب	جمع
رابطه علم و دین	۱۰	۵	۲	۱۷
علم دینی	۱۳	۳	۱	۱۷
معرفت شناسی	۳	۱۰	۰	۱۳
شناخت علم جدید	۶	۲	۱	۹
مختصات علوم اسلامی	۱	۳	۲	۶
فلسفه علوم	۴	۰	۰	۴
مجموع	۳۷	۲۳	۶	۶۶



نمودار ۱: سهم هر یک از موضوعات از پژوهشهای انجام شده در اندیشه شهید مطهری همان طور که ملاحظه می شود، بیش از نیمی از پژوهشهای حوزه علم در اندیشه شهید مطهری، به واکاوی «رابطه علم و دین» و «علم دینی» پرداخته اند. ۲۰ درصد از این پژوهشها

۱. در این خصوص، نکات زیر قابل توجه اند: کلیدواژه های «علم» یا «علوم» و «مطهری» در عناوین پژوهشها جستجو شد. جستجوی مقالات، در پایگاه «نورمگز»، جستجوی پارساها، در پایگاه «ایرانداک» و جستجوی کتب، در پایگاه «کتابخانه ملی»، صورت گرفت. پژوهشهای تکراری که در قالبهای مختلفی منتشر شده اند، صرفاً یک قالب آنها در نظر گرفته شد. جداول پژوهشهای انجام شده به تفکیک عنوان، تاریخ نشر، نویسندگان و موضوع اصلی به دلیل رعایت اختصار، در متن مقاله آورده نشده است.

صورت‌بندی مؤلفه‌های سیاست علم در اندیشه شهید مطهری ♦ ۶۹

نیز موضوع «معرفت‌شناسی» را کاوش کرده‌اند. به طور کلی، عمده این مضامین، رویکردی فلسفی به موضوعات دارند و حتی آن‌گاه که رابطه علم و دین یا ترکیب مفهومی علم دینی نیز کاوش می‌شود، مسئله با رویکرد فلسفی بررسی می‌شود. اما ابعاد اجتماعی علم، همچون رسالت علم در جامعه دینی، اخلاق علم و فناوری، اقتصاد و نحوه تأمین مالی علم، سیاست و نحوه و میزان مداخله حاکمیت در مناسبات جامعه علمی و موضوعاتی از این قبیل، مسائلی‌اند که با وجود پرداخت این اندیشمند بدانها، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. از این رو، صورت‌بندی منسجم و ذواب‌عادی از اندیشه شهید مطهری در باب علم که مؤلفه‌های سیاستی آن را ترسیم کند، وجود ندارد.

۳. مفاهیم اساسی

تعاریف مختلفی از علم، سیاست علم و دیگر مفاهیم اصلی پژوهش ارائه شده است که برای شفاف‌سازی معنای آنها در این پژوهش، مقصود از آنها ارائه می‌شود. (جدول ۲)

جدول ۱: تعیین مراد از مفاهیم اساسی پژوهش

ردیف	مفهوم	معنای مدنظر
۱	علم	گزاره‌هایی حول محور واحد (موضوع/غایت) که شامل شاخه‌های مختلف از علوم طبیعی تا انسانی و فنی مهندسی می‌شود.
۲	سیاست علم	حوزه علمی که روی کلان‌مسئله رابطه علم و دولت متمرکز است و به پرسشهایی نظیر دخالت یا عدم دخالت دولت در علم، میزان مداخله، نحوه تأمین مالی علم و... می‌پردازد.
۳	خوانش جمعی	شناسایی مباحثی از متفکران اسلامی که مشترک بوده یا محل اختلاف جدی نیست یا در بیان متفکر دیگر مسکوت است، اما قابلیت جایابی در اندیشه ایشان را دارد.
۴	صورت‌بندی	ارائه روایتی سرراست از مؤلفه‌های نظری یک مقوله و تبیین روابط آنها.

(ب) روش پژوهش

۱. مطالعه اسنادی، شیوه گردآوری داده‌ها

نظر به اینکه صورت‌بندی علم از آثار شهید مطهری به دست می‌آید، شیوه گردآوری داده‌ها، مراجعه به آثار و به عبارتی؛ مطالعه «اسناد و مدارک» بوده است. برای دستیابی حداکثری به داده‌های مرتبط، ابتدا چارچوب اولیه‌ای مبتنی بر سؤالات پژوهش در نظر گرفته شد تا با سؤالاتی مشخص، آثار شهید مطهری بررسی شوند.

یافتن مطالب مرتبط با موضوع علم در این پژوهش، به این صورت انجام شد که تک تک عناوین داخل متنی کلیه آثار ایشان مرور شد و چنانچه مطلب مرتبطی با موضوع یافت می‌شد، به عنوان فیشهای پژوهش ثبت می‌شد تا پس از مطالعه کامل مطلب، ارتباط یا عدم ارتباط آن بررسی شود. این راهبرد برای شناسایی مطالب مرتبط، این مزیت را نسبت به راهبرد کلیدواژه‌ای دارد که چنانچه مطلبی با عنوان و محتوایی که حاوی آن کلیدواژه‌ها نباشد، معنون شده باشد نیز از میدان دید پژوهشگر دور نمی‌ماند.

ماهیت	چیستی علم
	<ul style="list-style-type: none"> تعریف فلسفی علم و تمایز با نظرات رقیب نسبت علم و دین جایگاه علم تجربی در هندسه معرفت دینی
غایت	برون دادهای علم و عالمان
	<ul style="list-style-type: none"> رسالت و اهداف علم رسالت علم در شاخه‌های مختلف
سیاست	نسبت جامعه علمی و حکومت
	<ul style="list-style-type: none"> دخالت در جامعه علمی، آری یا خیر؟ استقلال نهاد علم، کامل یا مشروط؟
اقتصاد	نحوه تأمین مالی علم
	<ul style="list-style-type: none"> بازاری شدن علم دولتی بودن علم راه میانه علم در نسبت با بازار و دولت
اخلاق	استانداردها و هنجارهای اخلاقی علم
	<ul style="list-style-type: none"> محدوده اخلاقی پژوهش رسالت اخلاقی عالم
ارتباطات	ارتباطات جامعه علمی
	<ul style="list-style-type: none"> ارتباط دانشمندان با دانشمندان سایر رشته‌ها ارتباط جامعه علمی با جامعه

نگاره ۱: چارچوب اولیه تبیین نظام‌مند دیدگاه شهید مطهری در خصوص علم

۲. تحلیل مضمون، راهبرد پژوهش

تحلیل داده‌ها با راهبرد «تحلیل مضمون» انجام شد. با توجه به اینکه سنخ داده‌ها کیفی است، در نتیجه روش تحلیل آنها نیز باید کیفی باشد. از میان روشهای کیفی نیز با توجه به هدف پژوهش که اصطیاد مفاهیم و مضامین مربوط به صورت‌بندی علم است، روش تحلیل مضمون، در قیاس با سایر روشهای کیفی که هر کدام هدف دیگری داشته و در مواجهه با مسئله و شرایطی خاص به کار گرفته می‌شوند، تناسب بیشتری دارد. در نهایت برای تنقیح صورت‌بندی نگاه اندیشمند اسلامی، لازم است رویکرد «استقرایی-قیاسی» اتخاذ شود^۱ تا ضمن کاوش متون و آثار اندیشمندان، بتوان از دل داده‌ها، موضع متن را در قبال مقوله‌های مد نظر تعیین کرد.

ج) تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از دستیابی به داده‌های مرتبط، اولین گام تحلیل داده‌ها در روش تحلیل مضمون، کدگذاری آنهاست که در این پژوهش نیز به همین صورت پیش رفت. در ادامه، گزیده‌ای از جدول کدگذاری داده‌ها آورده می‌شود. (جدول ۳)

جدول ۳: گزیده‌ای از جدول تحلیل مضمون داده‌های شهید مطهری در باب علم

ردیف	بریده متن	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	در اینجا هم قرآن این عمل خارق‌العاده را نمی‌گوید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ قُوَّةٌ كَذَا، عِنْدَهُ قُدْرَةٌ كَذَا»، می‌گوید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ». اینجا که بحث از قدرت است علم را به میان می‌کشد، در سوره والنجم که بحث از علم است قدرت را به میان می‌کشد. این به واسطه توأم بودن ایندو است. (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۸۹)	توأم بودن علم و قدرت	نسبت علم و قدرت	ماهیت علم
۲	واضح است که اسلام جامعه‌ای می‌خواهد عزیز و مستقل و متکی به خود... لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا... اسلام	استقلال و عزت جامعه مسلمین	رسالت و اهداف علم	غایت علم

۱. این رویکرد در کنار سایر رویکردهای پژوهشی چون «استقرایی»، «قیاسی» و «تطبیقی» در پیاز پژوهش، مورد تصریح قرار گرفته است. (دانایی فرد، ۱۳۸۸: ۳)

ردیف	بریده متن	مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
	نمی‌پسندد یک ملت مسلمان همیشه دست در یوزگی به سوی یک ملت دیگری به عنوان قرض یا کمک بلاعوض دراز کند. اسلام نمی‌پسندد جامعه اسلامی استقلال اقتصادی یا اجتماعی نداشته باشد. (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۷۷)			
۳	چندی پیش یکی از رفقا نقل می‌کرد که طیبی نسخهٔ مریضی قلبی را که حتی پول تاکسی نداشته و آن مریض جوان بوده، بعد از آنکه پدر بیچاره مریض می‌گوید که من فعلاً ندارم پول نسخه را بدهم بعد می‌فرستم، آن نسخه را از دست پدر بیچاره می‌گیرد و پاره می‌کند و می‌گوید: به جهنم که بجهت بمیرد. بعد از چند روز هم آن مریض مرد. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۶: ۱۲۵)	مذمت نگاه کسب و کاری به علم	اخلاقیات عالم	اخلاق علم
۴	علم را باید سؤال کرد از هر که باشد و در هر جا باشد و به هر مقدار باشد. علم مقداری که ارزش نداشته باشد، ندارد و حال آنکه در مال مقداری که مالیت ندارد وجود دارد. علم جا و مکان هم ندارد. (همان: ۳۶۵)	بی‌مکانی علم	ارتباط دانشمندان با دانشمندان سایر کشورها	ارتباطات علم

۱. چیستی علم

«علم» از منظر حکمت اسلامی، «شناخت مطابق با واقع» است (مطهری، ۱۳۸۸: ۲۰۴). در این تعریف، هم وجود واقعیت تأیید شده است و هم امکان شناخت آن. شهید مطهری در آثار متعددی از منظر فلسفی به بیان و رفع شبهات پیرامون این تعریف می‌پردازد. همچنین ایشان طی ارائه مباحث «شناخت از نظر قرآن» با استناد به آیات قرآن، تصریح می‌کند در امکان وصول به یقین - شناخت مطابق با واقع - از نظر قرآن کریم، شکی نیست. (مطهری، ۱۳۹۶: ۵۰)

توجه به منابع شناخت در قرآن، پاسخ‌دهندهٔ برخی از پرسشهای مهم، مثل رابطهٔ نورانیت علم و الهامی بودن آن با علم متعارف، انحصار علم در علوم تجربی و... است. شهید مطهری، طبیعت، تاریخ، عقل و دل را با استناد به آیات قرآن، به عنوان منابع شناخت معرفی می‌کند. ایشان در خصوص آیهٔ «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل: ۷۸) معتقد است خداوند متعال دو نعمت چشم و

صورت‌بندی مؤلفه‌های سیاست علم در اندیشه شهید مطهری ♦ ۷۳

گوش را به عنوان بزرگ‌ترین نعمت حسی ذکر کرده که انسان از این طریق، صاحب تجربه می‌شود. در واقع؛ خداوند متعال، حس و تجربه را وسیله و ابزاری برای شناخت، معرفی می‌کند (همان: ۶۶). البته ایشان با طرح موضوع «شناخت آیه‌ای»، مدعی است که قرآن کریم وقتی به مطالعه در طبیعت دعوت می‌کند، مرادش این است که تدبیر صورت بگیرد. «تدبیر یعنی چیزی را مطالعه کردن و در دبر او، پشت سر او، چیز دیگری را دیدن» (همان: ۱۴۵). در غیر این صورت، اگر تفکر در آیات، منجر به تفکر ثانوی نشود، نتیجه‌ای در شناخت خدا ندارد و به همین دلیل، بسیاری از دانشمندان علوم طبیعی هستند که تفکرشان در خود آیات، خیلی زیاد است، ولی چون تفکر ثانوی درستی ندارند، یا به صورت افراد مردد یا به صورت افراد منکر درآمده‌اند (همان: ۱۵۰). اما در مقابل، اگر مطالعه طبیعت با تدبیر صورت بگیرد و بتوان از آیه به ذی‌الآیه رسید، نتیجه آن، معرفت الله خواهد بود و همان‌طور که خداوند متعال می‌فرماید: «انما یخشی الله من عباده العلماء» (فاطر: ۲۸)؛ از میان بندگان خدا، تنها عالمان می‌ترسند (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۶۵)، خشیت الهی را به ارمغان خواهد آورد.

«تاریخ هم خودش یک منبع برای شناخت است. در این زمینه، ما در قرآن آیاتی داریم؛ مانند «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ» (انعام: ۱۱)؛ بروید در زمین گردش کنید، «أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ» (محمد: ۱۰)؛ چرا اینها در زمین گردش نمی‌کنند؟ یعنی بروید آثار تاریخی را مطالعه کنید و بعد ببینید که زندگی و جامعه بشر چه تحولات تاریخی پیدا کرده است» (مطهری، ۱۳۸۸: ۷۸)

خداوند متعال در قرآن، آیاتی را بیان می‌کند که حاوی یک استدلال عقلی‌اند؛ مانند «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» (انبیاء: ۲۲)؛ اگر اله، متعدد بود این نظام، تباه شده بود. بنابر این، عقل نیز یک منبع شناخت است. لذا اگر قرآن، استدلال و قیاس را معتبر نمی‌دانست، خودش برهان اقامه نمی‌کرد و قیاس ارائه نمی‌داد. (مطهری، ۱۳۹۶: ۶۹)

مطهری همچنین در خصوص اینکه قلب آدمی نیز می‌تواند منبع شناخت باشد و نسبت الهام و اشراق با تعقل، توضیح می‌دهد که قرآن کریم، الهام و اشراق را تأیید کرده است. اما قرآن هرگز نگفته است اگر کسی می‌خواهد ایمان بیاورد، لازم است عقل و تعقل را کنار بگذارد؛ بلکه می‌گوید تو از طریق عقل خودت قدم بردار و از طریق تهذیب نفس هم قدم بردار و از این دو به نتیجه خواهی رسید. قرآن، هم از طریق مطالعه طبیعت و کشف قوانین آن دعوت به علم‌آموزی می‌کند و هم می‌فرماید: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال: ۲۹)؛

یعنی اگر تقوای الهی پیشه کنید، خداوند در دل شما یک مایه تمیز قرار می‌دهد. این همان نور الهامی است. (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۸۹)

یک) تفکیک علم حصولی و حضوری

اهل منطق و فلاسفه اسلامی، علم را از منظر اتحاد عالم و معلوم، به دو دسته کلی «حضوری» و «حصولی»، تقسیم می‌کنند. استاد مطهری نیز بین علم حضوری و علم حصولی اینگونه تمایز قائل می‌شود که علم حضوری، علمی است که در آن، عین واقعیت معلوم، پیش عالم حاضر است، مثل حالات وجدانی انسان؛ اما علم حصولی، علمی است که فقط تصویر و مفهومی از معلوم، پیش عالم حاضر است نه خود آن، مثل علم انسان به زمین و خورشید (مطهری، ۱۳۸۹: ۸۳). بنابر این، اینکه شهید مطهری و سایر اهل فلسفه اسلامی می‌گویند تعریف علم «حصول صورہ الشیء عند العقل» است (مطهری، ۱۳۸۱: ب: ۳۳)، این تعریف ناظر به علم حصولی است.

دو) ماهیت رشته‌های علمی

رشته‌های علمی معاصر، ماهیتی یکسان ندارند. گاه ماهیتی عقلی دارند که در آنها گزاره‌های علمی از طریق قیاس و استدلال به وجود می‌آیند و گاه ماهیتی تجربی دارند که در این صورت، گزاره‌ها از طریق استقرا به دست می‌آیند.

یقینی بودن فلسفه و ریاضیات: علوم همچون فلسفه، ریاضیات، هندسه و جبر، از جمله علوم عقلی‌اند. این دسته از رشته‌های علمی که گاه در دسته‌بندی‌های معاصر دانشگاهی ذیل علوم پایه (ریاضیات) و گاه ذیل علوم انسانی (فلسفه) قرار می‌گیرند، به واسطه منهج عقلی و روش منطقی در تولید گزاره‌های خود، یقینی‌اند (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۵۳). در اینجا نظر شهید مطهری در باب ماهیت این علوم، نظریه «کشف واقع» است. گزاره‌های علمی در این رشته‌ها، از طریق قیاس و برهان تولید شده‌اند. از این رو، این گزاره‌ها قابلیت صدق و کذب دارند و به همین خاطر می‌توان از خصلت واقع‌نمایی آنها دفاع کرد.

یقینی نبودن علوم تجربی و علوم انسانی: برخی از رشته‌های علمی دیگر، ماهیتی کاملاً تجربی دارند و گزاره‌های علمی آنان از طریق استقرا به دست می‌آید. کلیه علوم تجربی همچون فیزیک، شیمی، نجوم و پزشکی، که گاه آنها را علوم طبیعی می‌نامند و گاه آنها را با علوم تجربی نامگذاری می‌کنند، ماهیتی تجربی دارند؛ زیرا گزاره‌های علمی این دسته از علوم، نه از طریق قیاس و برهان، بلکه از طریق آزمایش فرضیه‌ها به دست می‌آید. این علوم نیز که ذیل علوم پایه دسته‌بندی می‌شوند، به واسطه منهج تجربی و استقرایی در تولید

صورت‌بندی مؤلفه‌های سیاست علم در اندیشه شهید مطهری ♦ ۷۵

گزاره‌های خود، یقینی نیستند و نمی‌توان گزاره‌های این علوم را کاملاً مطابق با واقع دانست. البته باید توجه اکید داشت که علوم تجربی مصطلح دانشگاهی با «تجربیات» که در منطقی از آنها سخن به میان می‌آید، متفاوت‌اند. تجربیات، به تصریح شهید مطهری، گزاره‌های یقینی‌اند که از طریق قیاس «حکم الامثال فی ما یجوز و فی ما لایجوز واحد» که بوعلی و خواجه نصیر بیان می‌کنند، یقینی بودن آنها حاصل می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸: ۱۲۳). اما علوم تجربی از جنس استقرا می‌باشند؛ لذا ایشان در کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» به صراحت می‌نویسد: «علت یقینی نبودن علمی که صرفاً مستند به تجربه هستند، این است که فرضیاتی که در علوم ساخته می‌شود، دلیل و گواهی غیر از انطباق با عمل و نتیجه عملی دادن ندارد و نتیجه عملی دادن، دلیل بر صحت یک فرضیه و مطابقت آن با واقع نمی‌شود» (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۵۰). بنابر این، ارزش علوم طبیعی و به تعبیری علوم تجربی، ارزش نظری و علمی نیست، بلکه به واسطه آورده‌ای که از طریق اکتشافات، اختراعات و صنایع دارند، «تنها ارزش عملی است». (همان: ۱۵۱)

برخی از رشته‌های دیگر هم علاوه بر ماهیت تجربی، ماهیتی اعتباری دارند و بسیاری از گزاره‌های آنان نه از طریق استدلال قیاسی و نه از طریق استقرا و تجربه، بلکه از طریق اعتبار و قرارداد به دست می‌آیند. علمی همچون علوم سیاسی، اقتصاد، مدیریت، ارتباطات و... از جمله علمی‌اند که بسیاری از گزاره‌های آنان، از طریق اعتبار و وضع به دست آمده‌اند. در واقع؛ منشأ این‌گونه گزاره‌ها، وضع و جعلی است که برخی از افراد برای خود و دیگران کرده‌اند. ادراکات اعتباری به واسطه ماهیت ذاتی خود، مابه‌ازای خارجی و قابلیت صدق و کذب ندارند. رابطه این گزاره‌ها با یکدیگر تولیدی نیست، بلکه اعتباری است (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۷۲). این‌گونه گزاره‌ها از منطقی فایده‌مندی تبعیت می‌کنند؛ یعنی چنانچه وافی به مقصود باشند و بتوانند غایت مطلوب را برآورده کنند، نافع‌اند و در غیر این صورت، غیر نافع و به تعبیری لغو محسوب می‌شوند. (همان: ۱۷۴)

سه) مقام علم

در این مؤلفه، روشن می‌شود که آیا علم، صرفاً یک ابزار است یا اینکه خود نیز موضوعیت دارد و از قداست برخوردار است. شهید مطهری از دسته عالمانی است که معتقد است علم، خود شرافت ذاتی دارد. اما همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، مراد از علم در اصطلاح فلاسفه اسلامی، علم یقینی است و لذا شامل همه اقسام علوم که گاه ظنی و اعتباری‌اند، نمی‌شود. تبیین شهید مطهری از علم، این معنا را می‌رساند که وجه شرافت ذاتی علم به یقینی بودن و

خاصیت کاشفیت آن است. ایشان می‌نویسد: «علم، بالذات از آن جهت که نور است شریف و مقدس است، شرافت ذاتی دارد، همان‌طوری که تقوا و طهارت روح هم قداست دارد» (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۶۳). اما ایشان در خصوص سایر شاخه‌های علمی که لزوماً یقینی نیستند، معتقد است این علوم، ارزش نظری ندارند و اتفاقاً آنچه باعث می‌شود ارزشمند تلقی شوند، خاصیت عملی، فایده و کاربردی است که در جامعه پیدا می‌کنند. از این منظر، چه بسا بتوان گفت که نگاه به این شاخه‌های علمی، نگاهی ابزاری و کاربردی است؛ به این معنا که چنانچه بتوان از قیل آنها فایده‌ای همچون یک ابداع، اختراع، صنعت، فناوری و... به دست آورد، از این باب که نیازی از نیازهای جامعه اسلامی را رفع می‌کنند، مغتنم‌اند و می‌بایست دنبال شوند. اما اگر نتوان از آنها، محصول و فایده‌ای عملی به دست آورد، با توجه به اینکه ارزش نظری و هستاری ندارند، نمی‌توان ارزش دیگری برای آنها قائل شد.

چهار) نسبت علم و قدرت

شهید مطهری معتقد است آن که علم دارد، قدرت دارد. اگر به سایر موجوداتی چون حیوانات، چنگالهای قوی، قدرت جسمانی بالا، بال و پر و... داده شده، به انسان عقل و علم داده شده است (همان: ۳۶۲). مرتضی مطهری با استناد به آیه قرآنی «قَالَ أَلَدَىٰ عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» (نمل: ۴۰) - که برای اشاره به فردی که توانست یک عمل خارق العاده را انجام دهد، به کار رفته است - از لفظ «علم» به کار رفته در این آیه شریفه، اینگونه استنباط می‌کند که علم، قدرت است. ایشان همچنین می‌گوید آنجا که خداوند متعال می‌خواهد به علم اشاره کند، آیه شریفه «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ» (نجم: ۵)؛ یعنی موضوع قدرت را به میان می‌کشد. بنابر این، علم، قدرت و توانایی به بار می‌آورد. همان‌گونه که فردوسی شاعر در مصرع «توانا بود هر که دانا بود» به آن اشاره می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۸۹)

به این مطلب می‌توان این نکته را افزود که علوم تجربی که یقینی نیستند و استحکام صد درصدی ندارند، هرچه قدر که قوت نظری بیشتری داشته باشند و بتوانند در مصاف با واقعیت، انطباق بیشتری از خود نشان بدهند؛ قدرت و توانایی که به انسان می‌دهند بیشتر خواهد بود. از سوی دیگر، هر چقدر این انطباق کمتر باشد و به تعبیری سست‌تر باشد، تکیه انسان و جامعه انسانی به آنها می‌تواند موجب ضعف شود.

پنج) نسبت علم و دین

شهید مطهری معتقد است یکی از گرایشهای فطری هر انسانی، حقیقت‌جویی است. به این معنا که انسانها فطرتاً میل به دانستن و کشف واقعیت دارند. انسان می‌خواهد جهان را، هستی

صورت‌بندی مؤلفه‌های سیاست علم در اندیشه شهید مطهری ♦ ۷۷

راه، اشیای را آن‌چنان که هستند، دریافت کند (مطهری، ۱۳۹۳: ۷۴). از سویی دیگر، شهید مطهری با استناد به آیات و روایات، استدلال می‌کند که دین بر اساس فطرت نهفته در انسان بنا شده است. (همان: ۲۶۱-۲۴۴)

رد تناقض علم و دین: شهید مطهری برای تبیین و فهماندن حقیقت تناقض ساختگی علم و دین، تعبیر مختلفی را همچون: «تناقض متدینین (به ادعا) و علما»، «جنگ بین اغراض و احوای پرچمداران هر دو»، «جنگ بی‌دینی با بی‌دینی» و «جنگ جهل و جهل» به کار می‌برد (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۶۴). ایشان با تبیین اینکه دین کاملاً با علم - به معنای حقیقی آن - سازگار است، ادعای تناقض علم و دین را ناشی از تعارض منافع و اغراض هواداران این دو یا ناشی از جهالت و نادانی طرفداران این دو می‌داند و اساساً کوچک‌ترین باوری به جنگ بین علم و دین ندارد.

دین، جهت‌دهنده و علم، روشنایی بخش است: در این نگاه، علم، روشنایی بخش و دین، جهت‌دهنده است. به این صورت که دین، مقصد و آرمان و خط سیر را تعیین می‌کند و علم، به انسان کمک می‌کند تا با روشنایی، خط سیر انتخاب شده را طی کند. علم، امکان تعیین جهت را ندارد؛ لذا آدمی به ناچار باید جهت خود را از دین بگیرد. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۶۲)

جانشین ناپذیری علم و ایمان: شهید مطهری بر اساس استدلالی که ذکر شد، این ادعا را طرح می‌کند که علم و ایمان و به تعبیری علم و دین، جانشین یکدیگر نمی‌شوند. توضیح دقیق‌تر این استدلال به این صورت است که انسان از روی طبع، حیوان و به صورت اکتسابی، انسان است. بنابر این، استعدادهای انسانی انسان، به تدریج باید در پرتو ایمان پرورش یابند، و الا به طبع خود به سوی مقاصد طبیعی حیوانی فردی مادی خودخواهانه خود حرکت کرده و از ابزارها در همین راه، بهره‌برداری می‌کند. از این رو، نیازمند نیرویی است که ابزار انسان و مقصد انسان نباشد، بلکه انسان را مانند ابزاری در جهت خود سوق بدهد. این نیرو از علم و کشف قوانین حاکم بر طبیعت و بر انسان، بر نمی‌آید. (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۹)

زیان‌باری تفکیک علم و ایمان: مراجعه به تاریخ حیات بشر نشان می‌دهد که تفکیک علم و ایمان و اکتفا کردن به یکی از این دو، چه نتایج مخربی به بار آورده است. آنجا که ایمان بوده و علم نبوده است، مساعی بشردوستانه افراد، صرف اموری شده که نتیجه چندانی به بار نیاورده است. آنجا که علم بوده و ایمان نبوده است (مانند برخی از جوامع عصر حاضر)، تمام قدرت علمی صرف خودخواهی‌ها، خودپرستی‌ها، افزون‌طلبی‌ها، استثماری‌ها، استعباده‌ها، نیرنگها و نیرنگ‌بازی‌ها شده است. (همان: ۲۸)

شش) جایگاه علوم تجربی در هندسه معرفت دینی

پیش از این، یقینی نبودن علوم تجربی به تفصیل تبیین شد. بنابر این، دستاوردها و نظریات علوم تجربی، بر خلاف نظریات برهانی علم ریاضیات، هندسه، جبر و فلسفه، یقینی نیستند و نمی‌توان اتکای صددرصدی به آنها داشت. از این رو، نمی‌توان گفت که نظریات علوم تجربی، عیناً مورد تأیید دین و آموزه‌های دینی می‌باشند.

دعوت به تحقیق در طبیعت: اسلام به مطالعه در طبیعت و تحقیق در آن، دعوت کرده است. دعوت اسلام، هم سازگار با علوم تجربی و مطالعه طبیعت است و هم این باور وجود دارد که تحقیق در طبیعت، خداشناسی را عیان‌تر می‌کند. بر خلاف تثلیث که با تجربه و عقل ناسازگار است، اسلام آزمایشگاهها و مدارس را چونان محراب عبادت قبول دارد. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۶۴)

هفت) ماهیت علم دینی

یکی از سؤالاتی که معمولاً عالمان دینی به پاسخ آن پرداخته‌اند، پرسش از ماهیت و چیستی علم دینی است. در این میان، آرای فراوانی بین عالمان دینی شکل گرفته است که هر کدام، استدلالی بر مدعای خویش اقامه کرده‌اند.

یکسانی علم نافع و علم دینی: مرتضی مطهری، ضمن اعتراض به عالمانی که برای علم دینی، مصادیق خاصی را برشمرده‌اند، از طریق استناد به احادیثی که توصیه به علم‌آموزی کرده‌اند و توجه به عمومیت موجود در این احادیث، تلاش می‌کند علم توصیه‌شده در اسلام را شناسایی کند و از طریق استخراج معیار مورد توجه در احادیث، علم دینی را علمی می‌داند که آن معیار را داراست. (همان: ۱۷۴)

شهید مطهری به کلام فقها در باب وجوب تحصیل علم که آن را وجوب نفسی تهیوئی می‌دانند، اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که معنای وجوب نفسی تهیوئی آن است که علم‌آموزی صرفاً مقدمه واجب نیست؛ بلکه خود مستقلاً نیز واجب است. در عین حال، تحصیل علم به این دلیل که به انسان آمادگی می‌دهد که بتواند سایر وظایف خود را انجام بدهد نیز واجب است (همان: ۱۷۵). از این منظر، فقها این وجوب تهیوئی را به یادگرفتن احکام فقهی اختصاص می‌دهند.

سیالیت فریضة علم در پرتو احتیاجات جامعه: استاد مطهری در ادامه کلام خود، در مقام نقد آرای فقها برمی‌آید و بیان می‌کند که اختصاص علم به صرف دانستن واجبات، معنای مد نظر این حدیث نیست؛ بلکه انجام برخی از واجبات کفایی نیز منوط به داشتن علم

صورت‌بندی مؤلفه‌های سیاست علم در اندیشه شهید مطهری ♦ ۷۹

و مهارت است. از این رو، علم مورد توصیه، صرفاً علم به واجبات معمول و نحوه انجام آنها نیست. ایشان بیان می‌کند که «فریضة علم، از هر جهت تابع احتیاج جامعه است» (همان: ۱۷۶) همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، شهید مطهری با اشاره به وجوب کفایی طبابت، استدلال می‌کند که انجام این فریضة، فقط از طریق تحصیل علم پزشکی امکان‌پذیر است. پس تحصیل علم پزشکی، فریضة است (همان). بنابر این، انجام هر واجبی در جامعه مؤمنین که تحقق آن منوط به دانستن یک علم باشد، یادگیری آن علم، مصداق فریضة علم بوده و واجب است.

شهید مطهری، در کتاب کلیات علوم اسلامی و هنگامی که می‌خواهد منطق و فلسفه را تدریس کند، پرسشی در خصوص چیستی «علوم اسلامی» طرح می‌کند و در پاسخ به آن، چهار نظر را تقریر می‌کند و در نهایت اعلام می‌کند که مقصود از علوم اسلامی، علوم‌اند که به نحوی جزء واجبات اسلامی به شمار می‌آیند و تحصیل آنها ولو به نحو واجب کفایی بر مسلمین واجب است. (مطهری، ۱۳۸۱/ب: ۱۴)

۲. نسبت علم و جنسیت

استاد مطهری مبتنی بر استنباط خود از حدیث معروف طلب علم، «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۷۷، ح ۵۴)، معتقد است که تحصیل علم، جنسیت‌بردار نیست و اگر طلب علم برای مردان تکلیف است، برای زنان نیز تکلیف است. (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۶۷)

۳. غایت علم

مطابق توضیحات ارائه شده در بخش ماهیت علم، وقتی از علوم سخن به میان می‌آید، با ماهیات گوناگونی مواجه‌ایم. شهید مطهری به عنوان متفکری که به صورت تفصیلی به موضوع علم پرداخته است، برخی از شاخه‌های علمی را (همچون فلسفه و ریاضیات) از جنس علم به معنای دقیق کلمه؛ یعنی آنچه کشف واقع می‌کند، می‌داند. ضرورت دنبال کردن این علوم به واسطه افزایش شناخت واقع در حکمرانی و نقشی که در اثربخشی و کارآمدی آن دارند، روشن است.

یک) استقلال، عزت و قدرت

سایر علوم از منظر ایشان لزوماً ارزش نظری و شناختی ندارند، بلکه به واسطه فایده و نفعی که دارند، لازم است دنبال شوند. از این مدخل، پیگیری و دنبال کردن علوم تجربی و انسانی نیز لازم است. ایشان معتقد است: «فریضة علم از هر جهت، تابع میزان احتیاج جامعه است» (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۷۶). اگر جامعه اسلامی نیازی داشت که برطرف شدن آن منوط به

یادگیری یک رشته علمی یا یک فن علمی است که ماهیتی تجربی نیز دارد، این رشته یا فن علمی تجربی باید دنبال شود؛ زیرا رفع نیازهای جامعه، لازم و ضروری است و برای نمونه، مثالهای متعددی از طب، کشاورزی، سیاست، بازرگانی و... ذکر می‌کند. ایشان معتقد است طبابت، واجب کفایی است که انجامش بدون تحصیل علم پزشکی امکان‌پذیر نیست. همچنین با اشاره به تحولات دنیای معاصر و دانش‌بنیان شدن اموراتی همچون کشاورزی، بازرگانی، سیاستمداری و...، بیان می‌کند انجام موفق این امور نیز منوط به تحصیل علم مربوطه است. (همان)

این نکته را نیز باید در نظر داشت که نیاز و احتیاج جامعه اسلامی در اندیشه شهید مطهری، مفهوم گسترده‌ای دارد و صرفاً شامل موارد حیاتی همچون: نجات جان مؤمن، تأمین امکانات زندگی و موارد این‌چنینی نمی‌شود؛ بلکه هر آنچه در راستای نیل به جامعه «مستقل» و «عزتمند»، نیاز باشد نیز جزء نیازها و احتیاجات جامعه اسلامی شمرده می‌شود. ایشان با برشمردن دو اصل «استقلال» و «عزت» که مستند به آیات قرآنی‌اند، جامعه مطلوب اسلامی را جامعه‌ای مستقل و عزتمند می‌داند. تحلیل مفهومی عبارات شهید مطهری از این دو اصل، همچون: ناپسندی زیردست یک ملت غیر مسلمان بودن، عدم پذیرش سلطه کافران، ناپسندی دست‌دریوزگی کشیدن به سوی یک ملت دیگر و...؛ نشان می‌دهد استقلال در اندیشه شهید مطهری، به معنای «عدم وابستگی» به دیگران و به خصوص ملت‌های غیر مسلمان است؛ زیرا وابستگی یک ملت به دیگران، آن ملت را ناگزیر می‌کند تا خواسته‌های حق و ناحق آنها را بپذیرند و روشن است که پذیرش چنین خواسته‌هایی، موانعی بر سر راه سعادت یک ملت خواهد بود. عزت نیز به معنای «ذلیل‌نبودن» و سربلندی در مقابل دیگران است. ملتی که عزیز باشد، تن به خواسته‌های ناحق دیگران نمی‌دهد و حتی خواسته‌های خویش را با حفظ عزت خود، طرح می‌کند. ایشان معتقد است در بسیاری از تعبیرات اسلامی، این حالت غرور یا مناعت و احساس شرافت، با عنوان «عزت نفس» بیان شده است. در رأس این تعبیرات، تعبیر حماسی قرآن است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸)؛ عزت به طور اختصاصی از آن مؤمنان است؛ یعنی مؤمن باید بداند عزت در انحصار مؤمنان است و اوست که باید عزیز باشد. این یک نوع توجه دادن به نفس است (مطهری، ۱۳۹۱: ۱۴۱). ایشان حدیث نبوی «أَطْلُبُوا الْحَوَائِجَ بِعِزَّةِ الْأَنْفُسِ» (پابنده، ۱۳۸۲: ۶۴) را این‌گونه معنا می‌کند که توصیه اسلام این است که اگر مؤمنی حاجتی به دیگران دارد، با حفظ عزت نفس بخواهد و خودش را نزد دیگران پست و ذلیل نکند (مطهری، ۱۳۹۱: ۱۴۲). بنابر این، نقطه مقابل عزت، پستی و ذلیلی است.

دیگر مفهومی که شهید مطهری به عنوان یکی از مبانی کسب علم به کار می‌برد، مفهوم «قدرت» است. ایشان با استناد به آیه قرآنی اعداد قوت (انفال: ۶۰)، این سؤال را که آیا تهیه قوت به اندازه «تُرهبون به عدو الله و عدوکم»، واجب است یا واجب نیست؟ قویاً پاسخ مثبت می‌دهد و می‌گوید راه تهیه قوت، علم است. (همان: ۲۶)

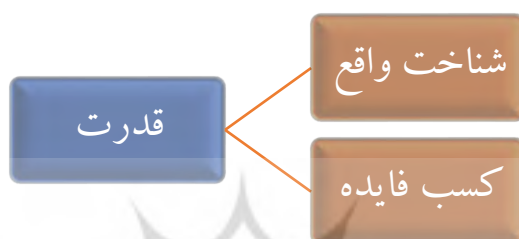
شهید مطهری مدعی است دستیابی به جامعه‌ای مستقل و عزیز و قوی، مستلزم کسب علم و تبحر در آن به نحو حداکثری است. تبیین رابطه استقلال و عزت با مقوله علم به این صورت است که یک جامعه برای حفظ استقلال اقتصادی و استقلال اجتماعی، ناگزیر باید بتواند مسائل خود را از طریق «قدرت» درونی خویش حل و فصل کند. ریشه اصلی «قدرت» نیز در تمام ابعاد اصیل این مفهوم، علم و تخصص است. برای مثال، چنانچه بیماری‌ای در جامعه مؤمنین به وجود آمد، اگر این جامعه بتواند بیماری را از طریق مراجعه به اطبا و متخصصان داخلی، بدون وابستگی و احساس نیاز به متخصصان بیگانه کنترل کند، آنگاه وجود استقلال و عزت در چنین جامعه‌ای معنادار است. بنابر این، در جامعه اسلامی، مقوله علم به نحو حداکثری باید دنبال شود تا بتوان از منافع آن، جامعه اسلامی را عزیز و مستقل کرد. (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۷۷)



نمودار ۲: مختصات شاخه‌های مختلف علم در اندیشه شهید مطهری

- اگرچه مطابق با دسته‌بندی مذکور، ادراکات بشری را می‌توان به سه قسم یقینی، ظنی و اعتباری تقسیم کرد؛ اما به لحاظ غایی، علم در اندیشه شهید مطهری، دو غایت اصلی دارد:
- شناخت واقع: از طریق علوم حقیقی یقینی به دست می‌آید؛ مثل ریاضیات و فلسفه.
 - کسب فایده: از طریق علوم تجربی و اعتباری به دست می‌آید؛ مثل کلیه علوم طبیعی، نظریات علوم انسانی و اجتماعی و ابزارها و فناوری‌های سخت و نرم (بانک، بیمه و...).

قسم اخیر از علوم، نه به خاطر شناخت واقع، بلکه به خاطر فایده عملی که می‌رسانند، دنبال می‌شوند. به دیگر بیان؛ علوم طبیعی و نظریات تجربی الزاماً شناخت واقع را رقم نمی‌زنند، اما به واسطه ایجاد توانایی و تجهیز انسان و قدرتی که برای بشر به ارمغان می‌آورند، پیگیری و دنبال شده و ارزشمند تلقی می‌شوند. لذا باید توجه داشت که این دو غایت نیز در نهایت به یک غایت واحد منتهی می‌شوند و آن «قدرت» است.



نمودار ۳: رابطه غایات شاخه‌های علم با قدرت

اگر شناخت واقع برای انسان و جامعه انسانی مهم است، به این علت است که آدمی نمی‌خواهد مغلوب واقعیت شود و خود را به دست موهومات و افکار بی‌پایه بسپارد؛ بلکه منفعتی که آدمی از شناخت واقع به دست می‌آورد، این است که می‌تواند با تکیه به واقعیت، دائماً به قدرت خود بیفزاید. از طرفی، پیگیری علوم تجربی و طبیعی نیز دقیقاً به همین سبب صورت می‌گیرد؛ زیرا جایی که یقین امکان حصول ندارد، تکیه به ظن و گمان - به خصوص در موضوعاتی که خللی جدی در سعادت و شقاوت انسان و جامعه پدید نمی‌آورند - می‌تواند توفیقاتی برای بشر در نیل به مقصود فراهم کند.

۴. سیاست علم

یکی از موضوعات و مسائل اساسی حکمرانی علم، مسئله استقلال و عدم استقلال نهاد علم از دولت است. برخی از نظریه پردازان حوزه حکمرانی علم، از استقلال کامل نهاد علم، دفاع و گاه مفهوم «جمهوری علم» را از این رو طرح کرده‌اند که به همگان بفهمانند این خود اصحاب علم و جامعه علمی‌اند که باید مناسبات خود را تعیین کنند و راه هرگونه مداخله بیرونی و دولتی را ببندند (پولانی، ۱۹۶۲). در مقابل نیز ممکن است برخی دیگر این نظر را نپذیرند و استدلال کنند که استقلال کامل نهاد علم، می‌تواند فایده‌مندی آن برای جامعه را

مختل کند و جامعه علمی را درگیر مسائل و موضوعاتی در آموزش و پژوهش کند که الزاماً مطابق با نیاز جامعه نباشند.

استقلال نهاد علم: شهید مطهری در این خصوص، نظر کاملاً صریح و روشنی ارائه نداده‌اند. اما در خصوص روحانیت، که در واقع عالمان دینی مقصود بوده است، معتقدند از خصوصیات ممتاز روحانیت شیعه، استقلال آنان از دولتهاست؛ زیرا استقلال باعث می‌شود که در صورت بروز انحراف در طبقه قدرت که در دولتها متجلی می‌شود، بتوانند در مقابل آنها ایستادگی کنند (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۹۹). بدین ترتیب، چنانچه خاصیت اصلاحگری را صرفاً منحصر به صنف روحانیت ندانیم، بلکه آن را وظیفه صنف عالمان بدانیم؛ در این صورت نیز قاعدتاً باید از استقلال نهاد علم دفاع کرد.

۵. اقتصاد و نحوه تأمین مالی علم

یکی از موضوعات بسیار مهم در باب جامعه علمی، موضوع تأمین مالی علم (فعالیت‌های علمی) است. در این باب، این سؤال مطرح است که عالمان و پژوهشگرانی که شاغل در حرفه آموزش و پژوهش‌اند، به چه نحو باید تأمین مالی شوند؟ آیا باید همانند سایر حرف و مشاغل بخش خصوصی، از طریق سازوکار عرضه و تقاضا، تأمین مالی فعالیت‌های علمی صورت بگیرد؟ یا اینکه علم به واسطه اهمیت راهبردی و تعیین‌کننده‌ای که در پیشرفت و سرنوشت ملتها دارد، باید به نحو دولتی و از طریق دولت، تأمین مالی شود؟ یا اینکه باید بین تأمین مالی بازاری و دولتی، راه سومی یافت و بخشی از فعالیتها را از طریق سازوکار عرضه و تقاضا و بخشی از فعالیت‌های علمی را به نحو دولتی تأمین مالی کرد و به نوعی، راه سومی را در این میان انتخاب کرد؟

تأمین مالی از بودجه عمومی: استاد مطهری در پاسخ به این پرسش، نظر ویژه‌ای دارد که البته بر مبنای نگاهی متفاوت به علم است. ایشان علم را نه صرفاً یک کالا، بلکه تعلیم و تربیت و فعالیت علمی را فعالیتی کسب‌وکاری ندیده و معتقد است شرافت ذاتی این فعالیت، سبب آن است که از بودجه عمومی و بیت‌المال تأمین مالی شود. ایشان معتقد است تمام اموری که نفس کار یا کالای به دست آمده از آن، شرافت ذاتی دارد، اسلام اجازه نمی‌دهد که فروخته شود؛ بلکه اجرت یا قیمت همه آنها باید از بودجه‌های عمومی و از بیت‌المال [تأمین شود]. (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۲۳)

بیان این نکته نیز ضروری است که مقصود شهید مطهری از بودجه عمومی و بیت‌المال، لزوماً بودجه دولتی نیست؛ بلکه بودجه‌هایی همچون وجوهات شرعی و وقف را نیز شامل

می‌شود. برای مثال، شهید مطهری از استقلال روحانیت شیعه از دولتها و تأمین مالی آنان از طریق وجوهات شرعی، دفاع می‌کند و معتقد است این نوع تأمین مالی، محاسنی دارد که در سایر وجوه تأمین مالی روحانیت نیست. بدیهی است که این وجوهات از طریق دولتها به دست نمی‌آید.

۶. اخلاق علم

سؤال اصلی و اساسی در اینجا، این است که عالمان در خلال فعالیتهای علمی خود که از جمله فعالیتهای پژوهشی است، چه اخلاقیاتی را باید مراعات کنند. اساساً در این عرصه چه فعالیتهایی اخلاقی محسوب می‌شوند و چه افعالی غیر اخلاقی قلمداد می‌شود؟ شهید مطهری معتقد است که اسلام، اخلاقیات ویژه‌ای را برای عالمان در نظر می‌گیرد که می‌بایست بدانها توجه کنند.

یک) مذمت نگاه کسب و کاری به علم

یکی از موضوعات اخلاقی که توسط مطهری مورد توجه قرار گرفته، موضوع قصد و نیت فرد عالم و متخصص است. ایشان معتقد است عالم نباید به فعالیتهای تخصصی‌اش که عموماً برای رفع نیازهای انسانها و جامعه است، همچون کسب و کار نگاه کند. شهید مطهری بیانی در خصوص طبابت، به عنوان یکی از فعالیتهای تخصصی یک عالم دارد که در آن، مخالفت ایشان با نگاه کسب و کاری به علم مشخص می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۶: ۱۲۵)

البته لازم است توجه شود که اگرچه برخی از فقها، اخذ اجرت بر طبابت را جایز ندانسته‌اند، اما شهید مطهری با وجود اذعان به وجوب طبابت در جامعه اسلامی، با تفکیک بین واجباتی که در آنها قصد قربت لازم است و واجباتی که قصد قربت در آنها لازم نیست، معتقد است اخذ اجرت بر واجبات قسم دوم اشکالی ندارد. بنابر این، آنچه ایشان از آن نهی و آن را مذمت می‌کند، نگاه کسب و کاری به فعالیتهای تخصصی و علمی است. (مطهری، ۱۳۸۱/الف، ج ۲: ۵۴)

دو) استعمال علم در راستای اهداف خیر

همان‌طور که ذیل عنوان «جانشین ناپذیری علم و ایمان» توضیح داده شد، علم خاصیتی دارد که لازم است در کنار دیانت و تقوای افراد قرار بگیرد و از طرفی، در علم نیز کاستی‌های ذاتی وجود دارد که توانایی جهت‌دهی انسان به اهداف مقدس و برانگیختن انگیزه‌های متعالی را ندارد؛ پس می‌توان بر این واقعیت تأکید کرد که اکتفای به علم در وجود یک فرد و یک جامعه انسانی، به هیچ وجه نمی‌تواند ضامن سعادت آن باشد. به همین خاطر شهید

صورت‌بندی مؤلفه‌های سیاست علم در اندیشه شهید مطهری ♦ ۸۵

مطهری تأکید می‌کند همانطور که معلمین اخلاق دنیا از قدیم‌الایام این مطلب را به ما گفته‌اند، عالم بودن یک فرد دلیل بر گام گذاشتن آن فرد در راه مصلحت بشری نیست؛ بلکه چه بسا یک نفر عالم باشد و علم خود را در راه شهوت به کار گیرد. (مطهری، ۱۳۸۱/الف، ج ۱: ۳۵)

سه) تلاش برای آزاد ماندن علم

شهید مطهری با بررسی ویژگی‌های عصر خود، اذعان می‌کند که با وجود توسعه‌های بزرگ علمی در عصر حاضر، علم به شدت اسیر و برده شده است؛ به طوری که باید عصر حاضر را عصر بردگی علم نامید؛ زیرا علم و عالم را آزاد نمی‌گذارند (همان: ۳۶). از این رو، یکی از مهم‌ترین توصیه‌های اخلاقی شهید مطهری به عالمان، تلاش برای آزاد ماندن علم است. (همان)

۷. ارتباطات علم

ارتباطات علمی، بستر تعاملی برای یادگیری و تبادل معلومات و یافته‌های علمی است. جامعه علمی‌ای که از امکان ارتباطات علمی استفاده و از این ظرفیت بهره‌داری کند، می‌تواند آورده‌های خوبی را به ارمغان بیاورد. شهید مطهری، معتقد است که آموزه‌های اسلامی، برای یادگیری علم، محدودیتهای مکانی را برداشته‌اند و به عبارتی؛ بی‌مکانی علم را متذکر شده‌اند.

بی‌مکانی علم: شهید مطهری به تصریح می‌نویسد: «علی‌رغم حرمت سؤال و تکدی مال، تکدی علم واجب است» (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۶۵). خضوع در برابر عالم و کوشش برای تحصیل علم و سؤال از علم، به این دلیل که خضوع در برابر حقیقت‌جویی است، ممدوح و توصیه شده است. اما علم از هر که، به هر مقدار و در هر جایی که باشد، ارزشمند است و توصیه شده است که مورد سؤال قرار بگیرد. (همان)

۸. جمع‌بندی

پرداخت نسبتاً جامع شهید مطهری به موضوع علم و ورود تفصیلی به مقوله‌های مختلف آن، علاوه بر اینکه نشانگر وزانت علم در اندیشه ایشان است، این امکان را فراهم آورده است که بتوان صورت‌بندی منسجمی از علم در اندیشه این متفکر استخراج کرد.

جدول ۲: مؤلفه‌های نظری صورت‌بندی علم از منظر شهید مطهری

ردیف	بعد	مؤلفه‌ها
۱	ماهیت علم	غیر مادی بودن علم شناخت مطابق با واقع
۲	منابع و ابزارهای علم	طبیعت با ابزار حواس تاریخ با ابزار مطالعه

ردیف	بعد	مؤلفه‌ها
		عقل با ابزار استدلال
		دل با ابزار تهذیب نفس
۳	ماهیت رشته‌های علمی	فلسفه و ریاضیات: علوم یقینی علوم تجربی و علوم انسانی: علوم غیر یقینی
۴	مقام علم	ارزش و قداست ذاتی علم
۵	نسبت علم و قدرت	قدرت بودن علم
		هماهنگی علم و دین
		رد تناقض علم و دین
۶	نسبت علم و دین	زیانباری تفکیک علم و ایمان جانشین ناپذیری علم و ایمان جهت‌دهی دین و روشنایی‌بخشی علم
۷	جایگاه علوم تجربی در هندسه معرفت دینی	دعوت اسلام به تحقیق در طبیعت
۸	ماهیت علم دینی	یکسانی علم نافع و علم دینی
		سیالیت علم نافع در پرتو احتیاجات جامعه
۹	نسبت علم و جنسیت	جنسیت‌بردار نبودن تحصیل علم
۱۰	رسالت و اهداف علم	استقلال و عزت جامعه مسلمین قدرت جامعه مسلمین
۱۱	سیاست علم	استقلال نهاد علم از نهاد قدرت (دولت)
۱۲	اقتصاد و نحوه تأمین مالی علم	تأمین مالی از بودجه عمومی و بیت‌المال
		مذمت نگاه کسب و کاری به علم
۱۳	اخلاق علم	استعمال علم در راستای اهداف خیر تلاش برای آزاد ماندن علم
۱۴	ارتباطات علم	بی‌مکانی علم و استفاده حداکثری از دانشمندان کشورهای مختلف

د) بحث و نتیجه‌گیری

عمده مباحث موضوع علم شهید مطهری در حوزه معرفت‌شناسی قرار دارد که مربوط است به تعلیقات ایشان بر مقالات علامه طباطبایی در کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» و همچنین مباحث ایشان در کتاب «مسئله شناخت». بعد از لایه فلسفی، عمده مباحث ایشان در حوزه علم، به کاوش و تبیین فریضه علم اختصاص یافته است؛ به طوری که این موضوع در

کتاب مختلف ایشان از جمله «کلیات علوم اسلامی (منطق، فلسفه)»، «ده گفتار»، «اسلام و نیازهای زمان»، «بیست گفتار» و... آمده و در بسیاری موارد تکرار شده است. شهید مطهری معتقد است تعریف فلسفی علم، «حضور صورت شیء نزد عقل» است که منجر به کشف واقع می‌شود. این تعریف، در عین کلی بودن، نپذیرفتن رویکرد جامعه‌شناختی صرف به حقیقت علم را که صرفاً آن را توافق عالمان می‌داند، نشان می‌دهد. واقعیت را از منابع و با ابزارهای مختلفی می‌توان شناخت. طبیعت، تاریخ، عقل و دل، منابع شناخت‌اند که به ترتیب با ابزار حواس، مطالعه، استدلال و تهذیب نفس، شناخت را به ارمغان می‌آورند. بنابر این، یکی از تمایزهای نگاه ایشان با نگاهی که علم را صرفاً تجربی می‌داند، این است که علم، محدود به روش تجربی نیست؛ بلکه گزاره‌هایی که از طریق قیاس منطقی و استدلال نیز به دست می‌آیند علم‌اند و البته به واسطه یقینی بودن، استحکام بیشتری نیز دارند.

فلسفه و ریاضیات که از طریق قیاس توسعه می‌یابند، یقینی‌اند و ارزش نظری دارند. اما علوم تجربی که یقینی نیستند، ارزش عملی دارند و بشر آنها را به خاطر فایده عملی آنها در عرصه ابداع و صنعت، دنبال می‌کند. همچنین انسان در عرصه اجتماعی، به واسطه نیازهایی که دارد، به سراغ اعتباریات می‌رود و منطبق با منطق غایت‌مندی، علوم اعتباری همچون علوم انسانی را دنبال می‌کند. بنابر این، عملاً با سه دسته علم، مواجه‌ایم که ماهیت یکسانی ندارند. شهید مطهری، معتقد است که علم و قدرت توأمان‌اند و علم است که ریشه قدرت واقعی است. از این رو، غایت علم، قوی شدن است و مؤمنین برای اینکه جامعه‌ای قوی، مستقل و عزتمند داشته باشند، لازم است علم نافع را؛ یعنی علمی که به رفع نیازها و مسائل جامعه می‌پردازد و کسب آن فریضه است، به نحو حداکثری دنبال کنند. در این نگاه، اگرچه قدرت ماحصل علم است، اما قدرت نیز در خدمت هدفی متعالی (عزت و استقلال جامعه مؤمنین) قرار می‌گیرد و آنجا که قدرت به عنوان هدف علم، بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های اخلاقی و اهداف متعالی‌تر موضوعیت می‌یابد، از مسیر اسلامی خود انحراف پیدا کرده است. شهید مطهری در خصوص مداخله دولت در نهاد علم، اتکای عالمان به طبقه قدرت را مانع از استقلال و حریت آنان می‌داند و معتقد است جامعه علمی به گونه‌ای باید مناسبات خود را تنظیم کند که به طبقه قدرت وابسته نباشد. از این رو، به نظر می‌رسد ایشان قائل به استقلال نهاد علم می‌باشند. ایشان در خصوص نحوه تأمین مالی علم، یکی از وجوه ممتاز عالمان شیعه را استقلال مالی آنان می‌داند.

باور استاد مطهری به شرافت علم، سبب شده است که نگاه ایشان به اقتصاد و تأمین مالی علم، بازاری نباشد؛ بلکه از آنجا که علم موجودیتی شریف است، می‌بایست تأمین مالی فعالیت‌های علمی، نه از طریق سازوکار عرضه و تقاضا، بلکه از طریق بودجه عمومی و بیت‌المال صورت بگیرد. البته این به معنای دولتی‌شدن نهاد علم نیست، بلکه به معنای بازاری نشدن آن است؛ زیرا امکان تأمین مالی علم از طریق وقف و هبه و... نیز در این نگاه وجود دارد.

استاد مطهری با استناد به آموزه‌های اسلامی، تحصیل علم را نه تنها صرفاً حق یک جنس خاص نمی‌داند؛ بلکه معتقد است زن و مرد مکلف‌اند تا علم نافع را تحصیل کنند. ایشان همچنین با طرح احادیث مربوطه در خصوص ارتباطات علمی، این گزاره را طرح می‌کند که علم از نظر اسلام، بی‌جا و بی‌مکان است. پس باید علم را در جوامع علمی مختلف دنبال کرد. در نهایت، در خصوص اخلاقیات عالم یا همان باور به شرافتمندی علم، باعث می‌شود که ایشان اولاً، نگاه کسب و کاری به علم را مذموم و غیر اخلاقی بدانند. ثانیاً، دانشمندان در رابطه با اصحاب قدرت، تلاش کنند علم آزاد بماند و ملعبه قدرت رانی آنان نشود و ثالثاً، این موهبت شریف را در مسیر سعادت و در راه خیر به کار ببرند.

ثمره این دیدگاه در سیاست علم به این صورت است که دولت اسلامی در سیاست علم خود، اولاً، علم را محدود به علوم تجربی ندانسته و دیگر علوم را نیز به رسمیت می‌شناسد و چنانچه امکاناتی برای تولید و توسعه علوم تجربی در نظر می‌گیرد، برای علوم دیگر نیز در نظر می‌گیرد. البته سیاست علم در علوم تجربی، فایده‌گراست و علم تجربی تا جایی که فواید روشنی دارد، فارغ از ارزش نظری و شناختی آن، توسعه می‌یابد. ثانیاً، نظر به همگرا دانستن علم و دین، مراکز علمی را به عنوان کانون‌های تحقیق، توسعه می‌دهد.

سیاست علم در دولت اسلامی، علم را با هدف توسعه قدرت، عزت و استقلال جامعه مؤمنین، تا جایی پی می‌گیرد که بتواند نصاب جامعه اسلامی را تا حد جامعه عزتمند، قوی، مستقل و بی‌نیاز به کفار در رفع احتیاجات، بالا ببرد. شاخه‌ها و رشته‌های مختلف علمی هر کدام به میزان مشارکتی که در تأمین این اهداف دارند، وجود و توسعه آنها توسط دولت، معنادار است.

تأمین مالی فعالیت‌های علمی نیز از طرق مختلف صورت می‌گیرد؛ تأمین مالی دولتی، خصوصی و بازاری و تأمین از طریق هبه، وقف و وجوهات شرعی، همگی گونه‌های مختلفی از تأمین مالی علم در سیاست‌گذاری دولت اسلامی‌اند. نکته مهم، استفاده بجا و منطقی از هر

کدام از این گونه‌ها در جای خود است. سیاست افزایش مشارکت بخش خصوصی و ارتقای سهم وقف و ... باعث می‌شود که سهم تأمین مالی دولتی علم، کاهش یابد. ثمره جنسیت‌بردار ندانستن تحصیل علم در سیاست علم، این است که دولت اسلامی، امکان تحصیل علم را برای همه و نه صرفاً یک جنس خاص، فراهم می‌کند و فراتر از ایجاد این امکان، زن و مرد را به علم‌آموزی دعوت می‌کند.

همراه کردن علم و اخلاق، سیاست قطعی دولت اسلامی است و این‌گونه نیست که هیچ‌گونه اخلاق و رفتارهای اخلاقی را در آموزش و پژوهش علم توصیه نکند؛ بلکه نهایت تلاش خود را می‌کند که مراکز علم و تحقیق، کانونهای اخلاق و تعهد انسانی نیز باشند تا هم علم در مسیر خطرناکی، سوق داده نشود و هم آموزندگان و فراگیران علم، آن را در مسیر نادرست، به کار نگیرند.

باور به بی‌مکانی علم در سیاست علم، اینگونه متجلی می‌شود که دانشگاهها و مراکز علمی را به کانون ارتباطات و داد و ستد علمی تبدیل می‌کند تا در یک دیپلماسی فعال علمی، آخرین یافته‌ها و تازه‌های علمی را از دیگر مراکز علمی در گستره جهانی بگیرد و آنها را به نظام علمی کشور منتقل کند.

منابع

- قرآن کریم.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام، جلد ۱۲. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش، چ چهارم.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹). «گزیده بیانات رهبر انقلاب درباره طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری، ۱۴/۰۶/۱۳۷۹». موجود در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (بهمن ۱۴۰۱): <http://farsi.khamenei.ir>
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸). «تحلیلی بر موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی: رهنمودهایی برای ارتقای کیفیت ظرفیت سیاست ملی علم ایران». سیاست علم و فناوری، سال دوم، ش ۱: ۱۶-۱.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱/الف). اسلام و نیازهای زمان. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد ۱. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد ۲. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). انسان و ایمان. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). ده گفتار. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). شناخت از نظر قرآن. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). فطرت. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). فلسفه تاریخ. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱/ب). کلیات علوم اسلامی (منطق، فلسفه). تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). مسئله شناخت. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). نبوت. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). یادداشتهای استاد مطهری. تهران: صدرا.
- Delamont, Sara (1989). **Knowledgeable Women: Structuralism and the Reproduction of Elites**. London: Routledge.

- Jasanoff, S. (ed.) (1997), **Comparative Science and Technology Policy**. Cheltenham: Edward Elgar.
- Lundvall, Bengt-Åke & Susana Borrás (2005). "**Science, Technology and Innovation Policy**". In: *The Oxford Handbook of Innovation*. Jan Fagerberg, David C. Mowery & Richard R. Nelson (Eds.). Oxford: Oxford University Press. Chapter 22. (P. 599-631).
- Polanyi, Michael. (1962). "**The Republic of Science: It's Political and Economic Theory**". *Minerva*, 1(1): 54-73. Classic statement of the argument for scientific autonomy.
- Rip, A. & B. J.R Van Der Meulen (1997). "**The Post-Modern Research System**". In: *Science in Tomorrow's Europe*. R. Barré, M. Gibbons, J. Maddox, B. Martin & Papon, P. (Eds.). Paris: Economica International.
- Sarewitz, Daniel (2005). "**Governance of science**". In: *Encyclopedia of Science, Technology, and Ethics*. Edited by Carl Mitcham. Farmington: Thomson Gale.
- **The Holy Quran.**
- Danaei Fard, Hassan (2009). "**An Analysis of Barriers to Knowledge Generation in Field of the Humanities: Some Recommendations for Promoting the Capacity of Iranian Science Policy**". *Journal of Science and Technology Policy*, second year, No. 1: 1-16.
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (2010). **Sahifa Imam, Vol. 12**. Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
- Jafar bin Muhammad, al-Sadiq (1979), **Misbah al-Sharia**, Beirut: Al-Alami.
- Khamenei, Seyed Ali (2010). "**Excerpts of the Leader of the Revolution's statements about the study plan of Martyr Motahari's works, 2000**". Available in the information base of the Office of Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei (February 2002): <http://farsi.khamenei.ir>
- Majlisi, Muhammad Baqir (1982). **Bihar al-Anwar**. Beirut: Dar Ihiya al-Turath al-Arabi.
- Motahhari, Morteza (2012). **Education in Islam**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2014). **Fitrat**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2002). **Generalities of Islamic Sciences (Logic, Philosophy)**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2002). **Islam and the needs of time**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2017). **Knowledge from the perspective of the Qur'an**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2006). **Man and Faith**. Tehran: Sadra.

- Motahhari, Morteza (1999). **Notes of Ostad Motahhari**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (1998). **Philosophy of History**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2010). **Principles of Philosophy and the Method of Realism, Vol. 1**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2011). **Principles of Philosophy and the Method of Realism, Vol. 2**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2005). **Prophethood**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2007). **Ten speech**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2009). **The Problem of Recognition**. Tehran: Sadra.
- Payandeh, Abolqasem (2003). **Nahj al-Fasaha**. 4th edition. Tehran: Duniyai Danesh.

